

هیچ چیز این سیل طبیعی نیست! حکومت اسلامی مجرم است!

صفحه ۲

محسن ابراهیمی



کارگران در هفته ای که گذشت شهلا دانشفر

صفحه ۸

بازتاب هفته زیر نظر کیوان جاوید

صفحه ۱۰

پرسش از مصطفی صابر در باره قرار دادن سپاه در لیست تروریسم

صفحه ۱۲

اتحادیه کارگران خدمات و دولتی ونکوور جمهوری اسلامی را محکوم کرد (کمپین برای آزادی کارگران زندانی)

صفحه ۱۳

مد اسلامی تجسم به بند کشیدن زنان گزارش یک آکسیون (شهناز مرتب)

صفحه ۱۴

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

کمونیسم و ناسیونالیسم در کردستان

ارائه دهنده: حمید تقوائی

بحثی در مورد

نیروهای ناسیونالیستی - اسلامی در منطقه و موقعیت کومله

زمان: شنبه ۱۳ آوریل ۲۰۱۹ ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر
مکان: 5100 خیابان یانگ، نورت یورک سیویک سنتر، تورنتو

اتاق Members Lounge

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۱۱

جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۹۸، ۱۲ آوریل ۲۰۱۹

پیامدهای سیاسی قرار گرفتن سپاه در لیست تروریستی

(گفتگو با حمید تقوائی)

صفحه ۵

پرسش از مینا احدی در باره قطع کمک مالی دولت آلمان به "انجمن اسلامی شیعه آلمان"

سخنرانی مینا احدی در فرانکفورت
از مردم آلمان میخواهم از
انقلاب مردم ایران دفاع کنند

صفحه ۱۱

آنچه مردم سیل زده میخواهند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۵

دستگیری جولیان آسانژ

را محکوم میکنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۶

اطلاعیه دبیر خانه حزب کمونیست کارگری ایران پیرامون
"طرح شورای راهبردی گذار از جمهوری اسلامی"

صفحه ۱۶

گذشته و امروز و آینده میلیونها انسان بسرعت زیر سیلی ویرانگر غرق میشود. انسانهای زیادی جان باخته اند و دیگر در میان ما نیستند. خلیلهای جانشان را از دست نداده اند، اما کار و شغل و خانه و مغازه و زمین و زراعت و محصول و حاصل یک عمرشان را تماما از دست داده اند. یعنی آنها هم که زنده مانده اند زندگی از دست داده اند. نه تنها این بلکه کوچکترین امیدی ندارند که زیر سلطه آیت الله های سرمایه دار چیزی بدست بیاورند!

این یک تراژدی بزرگ انسانی است که هیچ چیزش طبیعی نیست. این تراژدی انسانی محصول مستقیم چهل سال تعرض به و چپاول منابع طبیعی توسط میلیاردرهای اسلامی حاکم است.

سران حکومت نمک بر زخمها میپاشند!

از یکطرف سیل ویران میکند، جان میگیرد و غم و رنجی غیرقابل تصور بر جسم و روح و روان مردم تحمیل میکند و از طرف دیگر در ویرانکده ای که سیل برجای گذاشته است، فرومایگان حکومتی، قسی القلبهای خالی از ذره ای انسانیت به نام ولی فقیه و رئیس جمهور و وزیر و وکیل میچرخند و چشم در چشمان حیرت زده و غمبار مردمی شوک زده میدوزند و نمک برزخمهای باز آن مردم میپاشند.

ولی فقیه میگوید: "حوادثی که ظاهر بلا دارد اگر چه باطنش ممکنه نعمت و عطای الهی است."

رئیس جمهور میگوید: "اصل باران خداوند نعمت است و با اینکه برای همه ما سختی و مشکلاتی را ایجاد کرده است اما خداوند جبران خواهد کرد!"



یکی از مقامات "وزارت کشور و مدیریت بحران" در باره مشاهداتش از سفر به سه استان و دستاوردهای سیل چنین گزارش میدهد: "... حتی مردمی که آسیب دیده بودند از این قضیه اظهار خوشحالی میکردند. اصلا به نظر میرسید که خدا وکیلی.. درختها کاملا شسته شده بودند. یک طراوت دیگری گرفته بود. همه رودها آب جاری بود...!"

"ظاهر بلا؟" باطن نعمت؟ "عطای الهی؟" "نعمت خدا؟" "جبران خداوند؟" "خوشحالی مردم؟" "طراوت درختان؟" "آبهای جاری در رودها؟" و "خوشحالی مردم؟!"

شما ادبیاتی را سراغ دارید که بتواند درجه وقاحت و پستی و فرومایگی مستتر در این کلمات در چنین روزهای سخت را آنچنان که سزاوار است بیان کند؟ من که سراغ ندارم. اما باید این اظهارات این مقامات را قاب لجن گرفت و در آینده در موزه جنایتها و رذالتهای حکومت اسلامی به معرض تماشا گذاشت.

مساله مدیریت بحران و

بی کفایتی نیست!

این زیادی لوکس است وقتی میگویند این وضعیت محصول بی کفایتی مسئولان است. محصول "بحران مدیریت" یا "مدیریت بحران" است.

مگر این حکومت اصلا مدیریت بحران دارد که آن هم بحران مدیریت داشته باشد.

هیچ چیز این سیل طبیعی نیست! حکومت اسلامی مجرم است! محسن ابراهیمی

نکند دارند از "سازمان مدیریت بحران" حرف میزنند که اگر بودجه اش را با بودجه های کلان فقط بخشی از "خدمات اسلامی" حکومت مقایسه کنید عمق فاجعه برملا میشود.

بودجه "مرکز خدمات حوزه های علمیه" (مرکز تولید و پرور کردن عمده و اکره "مرکز نشر آثار امام خمینی" (خزعبلاتی در باره غسل و طهارت و مقررات ورود به و خروج از مستراح) سه برابر، و بودجه "جامعه المصطفی العالمیه" (نهاد پرورش آخوند و نشر خرافه و تربیت تروریست اسلامی در جهان) 16 برابر بودجه این "سازمان مدیریت بحران" کذایی است.

تازه همین بودجه هم صرف مدیریت هیچ بحرانی از جمله سیل و زلزله نمیشود. به شیوه هایی که سران حکومت دیگر در آن استاد شده اند بین آقازاده هایشان تقسیم میشود. فقط برای یک نمونه: مدتی پیش رئیس همین سازمان کذایی "مدیریت بحران" از امضای تفاهمنامه با حوزه علمیه برای به کارگیری معنویت جهت کاهش بلایای طبیعی خبر داد!

نه خیر مساله بی کفایتی نیست. سران حکومت اسلامی اتفاقا خیلی "باکفایت و مدیر و مدبر و عاقل" هستند. اما مدیر و مدبر و عاقل و با کفایت در سرکسسه کردن و خانه خراب کردن مردم و چپاول ثروت یک جامعه بزرگ 85 میلیونی و یک کشور عظیم با ثروت های طبیعی و نه مدیریت بحرانیهای

طبیعی و هر امری که مربوط به آسایش و رفاه مردم است.

قتل عام طبیعت بدست یک حکومت! هیچ چیز این سیل طبیعی نیست!

مدتهاست بحث سوخته های فسیلی، گازهای گلخانه ای، گرمایش زمین و تغییرات جوی با نتایج هولناکشان در آینده مورد بحث محافل علمی است. اما میدانیم که جهان سرمایه داری از جمله یکی از مخربترین نمایندگانش در منطقه یعنی جمهوری اسلامی نه تنها ذره ای در فکر نجات بشریت از عواقب این دست درازی به محیط زیست انسانها نیستند، بلکه برعکس این جیبهای گشادشان است که در مقابل خانه خراب شدن میلیونها انسان حرف اول را میزنند.

تا آنجا که به سیل ویرانگر اخیر در ایران مربوط است مساله ابدای یک حادثه ویرانگر طبیعی نیست. باران و رودخانه و آب و سیل حتما طبیعی و از طبیعت هستند اما همه شواهد به وضوح نشان میدهند که این دست ویرانگر یک حکومت است که در قالب سیل ویرانگر به جان و زندگی مردم حمله برده است.

امروز کوهی از تحقیقات و گزارشها و پیشی بینی ها و هشدارها توسط صاحب نظران و متخصصین در مورد اقدامات ویرانگر حکومت اسلامی علیه طبیعت در دسترس همه هست. کافی است به همین اسناد مراجعه کنید تا ببینید که هم ابعاد این سیل وهم ابعاد ویرانیش تماما مربوط به ویران کردن قبلی همین

طبیعت توسط همین حکومت است.

این دیگر به دانش عمومی تبدیل شده است که همه زیرساختهای طبیعی که میتوانست مانع این ابعاد دهشتناک ویرانگری سیل شود قبلا توسط میلیاردرهای حاکم در ایران تخریب شده اند. معلوم شده است که جنگل خواری، کوه خواری، زمین خواری، مرتع خواری، دریا و دریاچه و رودخانه و خاک خواری و همچنین سدخواری حکومت و آیت الله هایش قبلا سیل بندهای طبیعی از جمله مراتع و جنگلها را ویران کرده است. معلوم شده است که نه فقط ویرانگری سیل بلکه خود سیل - دقت کنید خود سیل - هم مستقیما به اقدامات همین همه چیزخوران مربوط است که چهل سال است علاوه بر قتل عام مردم طبیعت را هم قتل عام کرده اند.

نقش حکومت و مقاماتش در تخریب طبیعت و زمینه سازی چنین سیل ویرانگر آنچنان عیان است که حتی خود حکومتیها هم ناگزیر شده اند به آن اعتراف کنند. به سخنان نماینده گنبد کاووس در مجلس اسلامی خوب دقت کنید:

"جنگلها را غارت کردیم، کوه خواری و جنگل خواری کردیم و در مسیر رودخانه خانه ساختیم. شهرداریها حریم فروختند و این پول خون کودک و زنی بود که قرار بود در آینده سیل آنها را ببرد. ... آقای رییس جمهور و نمایندگان مجلس! همه متهم هستیم. اگر به خود نیایم سیل ما را هم خواهد برد."

بله، اگر سیل طبیعت که شما مسئول مستقیمش هستید جان و خانه و زندگی

از صفحه ۲

مردم را برده است، سیل عصبان مردم شما را خواهد برد. همه شما را. در این شکی نیست.

سه کیس بسیار نمونه وار!

۱- آق قلا در استان گلستان!

شهر آق قلا زیر آب رفت به همان دلایلی که بالاتر اشاره کردیم. اما شهر آق قلا به دلیل "ساده" دیگری هم زیر آب رفت. ریل خط آهن طولانی ای که قبلا سپاه ساخته بود و تا سه متر ارتفاع داشت و از قبلش کرور کرور پول در میارود، مانع عبور آب به دشتهای وسیع و جذب شدنش بر زمینهای این دشت شد.

تازه وقتی شهر زیر آب میرفت و مردم دست به کار شدند تا با دست خالی آبراهی باز کنند، حکومتیها به جای اینکه امکانات بولدزر و بیل مکانیکی در اختیار مردم قرار دهند، همه رقم در مقابل مردم مانع درست کردند. استاندار که در مسافرت تفریحی در خارج از کشور بود، فرماندار هم جرئت نکرد اجازه دهد مردم به پروژه "سپاه عزیز" دست درازی کند. و بالاخره زندگی هزاران انسان زیر آب رفت و مردم خانه خراب شدند و البته بعدا سپاه آمد نمایش انفجار راه انداخت که بالای سر مردمی در حال غرق قدرتمایمی هم بکند!

۲- جنگلهای گرگان و آیت الله جنگل خوار!

مدتها بود که در ورودی بخشهایی از جنگلهای گرگان، تابلویی توجه مردم حیرت زده را جلب میکرد که به دستور آیت الله نور مفیدی نصب شده بود. این تابلو به مردم منطقه اطلاع میداد که "کلیه

هیچ چیز این سیل طبیعی نیست!

عواید حاصل از درختانی که میبریم هزینه حوزه علمیه گرگان میشود". این آیت الله کیست؟ امام جمعه (اصلاح طلب!) گرگان و نماینده ولی فقیه در استان گلستان. کسی که در گرگان به آیت الله جنگل خوار مشهور است و با دهها نهاد و ارگان به نام آقازاده های بیت خودش و به نام "هزینه حوزه علمیه" ثروتهای نجومی میان خانواده جابجا میکند.

بعد از اعتراض مردم منطقه به این یورش به جنگلها و در نتیجه باندبازیهای درون حکومتی لایحه ای تحت نام "تنفس جنگلها" به مجلس اسلامی برده شد. اما زور این آیت الله جنگل خوار چربید و این لایحه نه تنها منجر به تنفس هیچ جنگلی نشد بلکه نفس خودش هم در همان مجلس اسلامی حبس شد.

سالها پیش، احمدی نژاد، رئیس جمهور مورد اعتماد خامنه ای به جنگلهای زیبای "ناهار خوران" در گرگان یورش برد. مجوز قطع درختان این بخش جنگل را صادر کرد تا به جایش "موزه دفاع مقدس" بسازند. مردم اعتراض کردند. اما "بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس"، ده هزار متر مربع زمین از ارتفاعات جنگل های طبیعی و بکر ناهارخوران را در پای مقدسات جمهوری اسلامی ذبح کرد. جنگل ویران شد و "تپه نور الشهداء" جایش گرفت.

اینها فقط دو مورد از یورش به طبیعت و زمینه سازی برای سیل ویرانگری است که امروز به جان و زندگی مردم افتاده است.

۳- دروازه قران شیراز و اتوبان اسلامی!

دارد. به جای اطلاع رسانی برای مردم، دادستان کل کشور، فرمانده نیروی انتظامی، و وزیر کشور به "عوامل نشر خبر دروغ و کذب که به دنبال بزرگنمایی مشکلات مناطق سیل زده هستند"، به "کسانی که به دنبال ایجاد اخلاخ در امنیت کشور هستند"، به "اخلالگران نظم و امنیت" اعلان جنگ کردند. فرمانده ناجا مردم سیل زده را "از حضور بیش از ۱۰۰۰ نفر نیروی کمکی از شهرستانهای اطراف و یگان ویژه و ایستگاههای بازرسی و کنترل" در منطقه مطلع کرد. یگان ویژه؟ ایستگاههای بازرسی؟ آیا این نشان نمیدهد که این حکومت حتی در جریان بحران طبیعی نگران بحران سیاسی است؟

همکاری حکومت

و سیل!

پیش بینی و اطلاع رسانی و آماده سازی مردم پیش از وقوع حوادث طبیعی یک رکن مهم کاهش صدمات این حوادث است. پیش بینی و آماده سازی مردم برای مقابله با بحرانهای طبیعی پیش کش این حکومت که فقط برای سرکوب کارگران و اعتراضات به حق مردم آماده سازی میکند (مانور مقابله با بحرانهای کارگری را به یاد بیاورید)، اما وقتی سیل به سراغ مردم آمد هم این حکومت با تمام توان در مقابل حتی تلاش خود مردم ایستاد.

۱- اطلاع رسانی

نکردند و در مقابل اطلاع

رسانی مردم هم مانع

ایجاد کردند!

در ایران حوادث طبیعی "ستاد مدیریت بحران" کذایی را فعال نمیکند. برعکس انواع و اقسام ستادهای مدیریت امنیت را فعال میکنند. چرا؟ چون نه جان و زندگی مردم بلکه ثروت میلیاردرها و حکومت پاسدارش اهمیت

مقابل هر گونه کمک از مردم و نهادهای بشردوستانه جهانی ایجاد کرد. او البته نگفت که فعلا اختاپوسی به نام جمهوری اسلامی بر این همه ثروت چنگ انداخت است.

سیل ویرانگر و

جدال ویرانگران!

در متن سیل ویرانگر، باندهای حکومت ویرانگرتر به جان هم افتاده اند. به جان هم افتاده اند تا خشم مردم از کل همین حکومت را متوجه جناح و باند دیگر بکنند. به جان هم افتاده اند تا مردم به جان کل حکومت نیافتند. و این بسیار جالب است که آنها در این کشمکش درون حکومتی هر تکانی میخورند بیشتر کل حکومتشان غرق میشود.

"قربانی" اولین جلوه این جدال باندها استاندار گلستان بود. وقتی معلوم شد که این استاندار درست موقعی که مردم زیر سیل دست و پا میزدند در تعطیلات خارج از کشور بسر میبرد، از سمتش برکنار شد. واقعا که چه دولت مسئول و نازنینی! اما مثل همیشه که این تبه کاران پرونده همدیگر را زیر بغل دارند، فوراً استاندار پته بقیه استانداران و فرمانداران و وکلا را روی آب ریخت: معلوم شد که همزمان با او ۲۰ استاندار و ۱۰۰ نماینده مجلس نیز در خارج کشور همراه فرزندانسان مشغول تفریح هستند.

مهمتر از این شاخ و شانه کشیدنهای سرداران سپاه و دولت روحانی علیه همدیگر است.

سرداران سپاه یقه "سازمان مدیریت بحران" را که ارگانی از دولت روحانی است گرفتند که بحران را خوب مدیریت نکرده است. در

از صفحه ۳

مقابل، دار و دسته روحانی هم یقه سرداران سپاه را گرفتند که با پروژه های "غیر عقلایی" شان مثل خط آهن گرگان و اتوبان سازی در مسیل کنار دروازه قران شیراز مسبب این وضعیت هستند.

سرداران سپاه از عملیات انفجاری "نجات بخش" شان در خط آهن و جاده و سیل بندهای استان گلستان سخن گفتند. روحانی هم گفت که سوار بر هلیکوپتر متوجه شده است که این انفجارها فقط آب را از این طرف به آن طرف هدایت کرده است!

این وسط یک مساله از نظر سیاسی مهم است. افشگری باندهای حکومت اسلامی علیه همدیگر، نه تنها ذره ای اعتماد مردم به افشاگران را جلب نمیکند بلکه انزجار سیاسی از هر دو طرف را بیشتر میکند. افشگری باندها علیه همدیگر از نظر مردم افشای کل حکومت اسلامی است.

سیل: مردم و حکومت!

سیل اخیر اگر از یکطرف همبستگی و احساس همدلی مردم به همدیگر را بالا برد. از طرف دیگر شکاف عمیق و گسترده مردم با حکومت را عمیقتر و گسترده تر کرد.

اطهارات خشمگینانه مردم در آق قلا و گمیشان و دوارزه قران و پل دختر و دهها شهر و روستا را در ویدیو کلیپها حتما دیده اید. دیده اید که مردم چگونه و با چه صراحتی و به چه زبان ساده و روشنی در باره خانه سازی در بستر رودخانه ها، کشیدن راه آهن در مقابل مسیر رودخانه ها، سدسازیها و فروش آب سدها به کشاورزان تهیدست، و نقش ویرانگر و مخرب سپاه پاسداران و استانداران و امام جمعه ها و کلا مقامات حکومت اسلامی در ویران

هیچ چیز این سیل طبیعی نیست!

کردن جنگلها و درختها و مراتع و زمینها صحبت میکنند.

با این حساب تعجب آور نیست که هر جا مقامات حکومت اسلامی پای گذاشتند با اعتراض و خشم و انزجار مردم مواجه شدند.

امام جمعه شیراز اعتراف میکند که در بازدید از مناطق سیل زده فحش خورده و اعصابش خرد است!

محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه به پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گزارش میدهد که: "هیچ مسئول دولتی جرئت نمیکند بره اونجا، چون مردم از دست ما عاصی هستند. من خودم تونستم به یک شکلی از دستشون دربروم!"

سیل زده ها در پل دختر از محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با فریاد "بیشرف بیشرف" و پرتاب سنگ و اعلام اینکه همه تون قاچاقچی هستید استقبال میکنند!

احمد خادم، فرمانده قرارگاه کربلای سپاه پاسداران در روستای صفحه آنچنان مورد اعتراض مردم قرار میگیرد که به کمک محافظینش دست از پا درازتر از محل دور میشود!

مردم سیل زده در روستاهای اطراف دشت آزادگان و سوسنگرد خوزستان با سپاه پاسداران درگیر میشوند که میخواهد سیل بندهایی که مردم درست کرده بودند را باز کند، کاری که باعث شد سیل به مزارع مردم سرازیر شود. با کمال تاسف در جریان این درگیری شهروندی به نام عبود ربیعی کشته میشود!

حسن روحانی را یک زن درد کشیده سکه یک پول میکند! و بالاخره مردی سیل زده در استان لرستان کيفرخواست همه سیل زدگان را در یک ویدیو کلیپ اینچنین بیان میکند: "چیزی که در رسانه های خبری تبلیغ میکنند همه اش دروغه. ... چیزی به اسم حقیقت از جمهوری اسلامی همیشه برداشت کرد. یعنی ندارند. ثابت کرده اند در این چهل سال. از جمهوری اسلامی، از سیستم و کابینه جمهوری اسلامی هیچگونه کمکی به این ملت نرسیده و نخواهد رسید."

همبستگی مردمی!

ابعاد درد و رنج و زخم سیل ویرانگر را هیچ کس نمیتواند به اندازه خود قربانیان این سیل حس کند اما ابعاد همبستگی خیره کننده و احترام برانگیز هزاران انسان از گوشه و کنار ایران نشان داد که هنوز حتی حکومت اسلامی هم علیرغم تمام رنج و فلاکت و بی خانمانی که بر این مردم تحمیل کرده است، نتوانسته است این انسانها را از

صحنه هایی که مردم سیل زده در همان وضعیت خطرناک با تلفن دستی هاشان منتشر کرده اند نشان میدهد که:

چگونه مردم با دست خالی و همدست و همدل برای ایجا سد در مقابل سیل خروشان تلاش میکنند!

چگونه جوانان گمیشان با دست خالی و با کیسه هایی که از منطقه جمع آوری کرده اند در ۴ کیلومتر در مقابل سیل میسازند و البته از انبوه تجهیزات و ماشین آلات مهندسی سپاه خبری نیست!

چگونه جوانی از لرستان به کمک مردم سیل زده در خوزستان شتافته است و رو به دوربین فریاد میزند: من لرهستم. عرب نیستم. اما عرب برادر من است و به کمکشان آمده ام!

چگونه جوانان تکه مقوایی بردست میگیرند که رویش نوشته است "مسکن و امکانات مجانی برای سیل زده ها" و به این ترتیب عمق انسانیتشان را در مقابل پولخواران و همه چیزخوران حکومتی نشان میدهند!

چگونه زنی از پل دختر از مردم ایران در خواست کمک میکند اما یادش نمیرود بگوید که "به خاطر ما مردم گلستان را فراموش نکنید!"

در میان اینها سیل کمکه های مردمی که از سراسر ایران به سوی گلستان و خوزستان و لرستان روانه میشود فقط و فقط نشان دهنده قدرت و عظمت همبستگی انسانی در مواقعی است که انسانها نیاز به کمک دارند.

در میان این امواج همبستگی انسانی یک چیز غایب است و البته تعجب برانگیز هم نیست. از نیروی انتظامی و سپاه و امکانات عظیم لجستیکی و مهندسی این ارگانها و بالگردها و پهپادها و نیروهای همیشه آماده سرکوبشان یا خبری نیست و یا اگر هم سرو کله شان پیدا میشود قرار است "امنیت" برقرار کنند. و اینها همان نیرویی هستند که کافی است اعتصابی در یک کارخانه رخ دهد تا مثل گله ای از استانداران و فرمانداران و اطلاعاتی ها و امنیتی ها و امام جمعه ها فی الفور در محل حاضر شوند تا "نظم و امنیت" برقرار کنند.

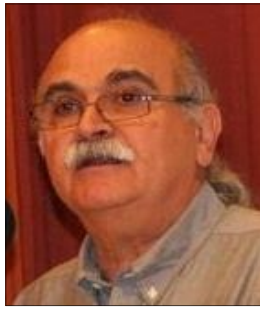
سیل زدگان را نباید به امان حکومت اسلامی رها کرد!

سیل روزی فروکش خواهد کرد. اما آثار و عواقبش سالها و سالها با مردم خواهد ماند. سیل فروکش خواهد کرد اما صدها هزار خانواده ای که همه امکانات زندگیشان، محصول یک عمر تلاش و حتی کارشان را از دست داده اند و کوچکترین امکان مالی برای بازسازی زندگیشان را ندارند، هزاران کودکی که برای همیشه با کابوس دهشتناک سیل بسر خواهند برد، صدها هزار کشاورزی که حتی نانی برای سیر کردن خود پیدا نخواهند کرد، هزاران زخمی و معلول که از توان مالی و امکانات درمانی برای بازیافتن سلامتیشان محرومند برجای خواهند ماند. به این باید شیخ هولناک بیماریهای کشنده ای مثل حصه و وبا و انواع بیماریهای عفونی و غیره را اضافه کرد که صاحب نظران و متخصصین این عرصه دائم در باره شان هشدار میدهند.

در این میان حکومت اسلامی را همه میشناسیم. میدانیم که به محض فروکش کردن سیل از یکطرف مردم سیل زده را با وعده های سر خرمن سرگردان نگه خواهد داشت و از طرف دیگر بساط رقابت میان آقازاده ها برای بالا کشیدن پول و ثروت مملکت به نام ساخت و ساز در منطقه راه خواهد انداخت. مردم در سطوح مختلف - نه فقط سیل زده ها که مدتها در شوک خواهند بود - بلکه همه انسانهای دردمندی که در سراسر ایران قلبشان برای هموعانشان در منطقه می تپد، همچنانکه شروع کرده اند باید متشکل شدن در اشکال مختلف با هدف کمک به بازماندگان زلزله را ادامه دهند.

کمکه های مردمی اما کافی

پیامدهای سیاسی قرار گرفتن سپاه در لیست تروریستی این نوشته بر مبنای گفتگوی کانال جدید با حمید تقوایی تدوین شده است



سرکوب و ترور علیه مردم در خود ایران و در منطقه است. تروریستی بودن نه تنها سپاه بلکه کل حکومت جمهوری اسلامی و جنایت کار بودن این حکومت علیه مردم ایران و منطقه باید از جانب همه دولتها به رسمیت شناخته و اعلام بشود، و به این دلیل باید جمهوری اسلامی تحریم و بایکوت شود. از نظر سیاسی، از نظر دیپلماتیک، حتی از نظر فرهنگی و ورزشی باید ارتباطات با این حکومت قطع شود، باید سفارتخانه هایش بسته شود و از نهادهای بین المللی اخراج شود. باید این حکومت را نه بعنوان نماینده مردم ایران بلکه به عنوانی که واقعا هست، یعنی قاتل مردم ایران، برسمیت شناخت و بایکوتش کرد. بحث صرفا بر سر سپاه پاسداران نیست، و همچنین بحث فقط بر سر دولت آمریکا نیست. همه دولتهای دنیا باید جمهوری اسلامی را بایکوت کنند و به رسمیت نشناسند. همانطور که با رژیم آفریقای جنوبی در دوره آپارتاید نژادی رفتار کردند همان سیاست را هم باید در قبال جمهوری اسلامی داشته باشند.

کیوان جاوید: ولی هدف مشخص دولت آمریکا چیست؟ آیا تازه کشف کرده است که سپاه پاسداران یک نیروی تروریستی است، چه هدفی را دنبال میکند؟

حمید تقوایی: این سیاست امروز دولت آمریکا است و اعلام هم کرده است که

هدفش چیست. دولت آمریکا آنطور که خودشان میگویند، میخواهد جمهوری اسلامی "تغییر رفتار" بدهد، منظورشان هم از تغییر رفتار این است که در چهارچوب سیاستهای منطقه ای آمریکا قرار بگیرد. مثلا در عراق، در سوریه، در یمن و کلا در منطقه از سیاستهای آمریکا پیروی کند. البته خود این سیاستهای آمریکا منشا و مبدا کل این جنایت ها است. دولت آمریکا خودش این شرایط را در خاورمیانه ایجاد کرده است و بر متن این شرایط است که جمهوری توانسته سیاستهای تروریستی اش را در منطقه به پیش ببرد. در اثر و در ادامه این سیاستها امروز جمهوری اسلامی به یکی از نیروهای مهم تروریستی و عامل جنایت و کشتار در کشورهای منطقه تبدیل شده است. در خود جامعه ایران هم این حکومت با سرکوب و جنایت علیه مردم توانسته است خود را سر پا نگهدارد. و به همین دلیل جمهوری اسلامی باید در دنیا منزوی و بایکوت شود. در این صورت انقلابی که در ایران دارد شکل میگیرد، خیلی سریعتر و زود فرجامتر خواهد بود. روشن است که دولتها در اعمال فشار به جمهوری اسلامی سیاستها و اهداف خود را دنبال میکنند اما در هر صورت نفس طرد و بایکوت جمهوری اسلامی از جانب هر دولتی به نفع مردم ایران و انقلاب در ایران خواهد بود.

کیوان جاوید: ولی آیا همین بهانه ای بیشتری به

کیوان جاوید: جدیدا دولت آمریکا سپاه پاسداران را به عنوان یک نهاد در لیست نیروهای تروریستی قرار داده است. هر چند در گذشته هم بخشهایی از سپاه پاسداران و همچنین اشخاصی از سپاه در چنین لیستی قرار گرفته بودند، اما تروریست اعلام کردن کلیت سپاه سیاست جدیدی است. اولین سؤال اینست که موضع حزب کمونیست کارگری ایران در این رابطه چیست؟

حمید تقوایی: ما نه تنها با تحریم سپاه پاسداران بعنوان یک نیروی تروریستی موافق هستیم بلکه خواهان آنیم که کل جمهوری اسلامی در لیست تروریستها قرار بگیرد. ما خواهان تحریم سیاسی-دیپلماتیک جمهوری اسلامی هستیم و همچنین تحریم اقتصادی سپاه و نیروهای نظامی حکومت و آیت الله های میلیاردر. حسابهای میلیاردی این جنایتکاران باید مسدود شود. این ثروت بمرمدمد ایران متعلق است و باید بمرمدم بازگردانده شود.

جمهوری اسلامی یک حکومت جنایتکار است. این حکومت نه فقط علیه مردم منطقه بلکه علیه خود مردم ایران هم سیاست جنایتکارانه و تروریستی اعمال میکند. آخرین جنایت سپاه پاسداران شلیک به مردم سیل زده ای بود که به این وضعیت فاجعه بار اعتراض داشتند و به درست انگشت اتهام را به طرف جمهوری اسلامی که این فاجعه را به بار آورده است گرفته بودند. جواب جمهوری اسلامی گسیل سپاه و شلیک بروی مردم بود. سپاه پاسداران همیشه نقشش این بوده است. سپاه پاسداران و سپاه قدس که شاخه برون مرزی آن است، یک ارگان

دیگر بلوک بندبهای که در منطقه، چه در عراق، چه در سوریه و چه در مناطق دیگر شده است همه به ضرر جمهوری اسلامی و در جهت تضعیف آن عمل کرده است. بنابراین مستقل از اینکه جمهوری اسلامی چه میخواهد بکند یا چه نمی خواهد بکند، این شرایطی نیست که قادر باشد دست به عملیاتی بزند یا تنش را زیاد کند یا مقابله به مثل کند. البته خیلی رجز خوانده اند ولی این بیشتر تبلیغات و رتوریک سیاسی تبلیغی است و نه یک سیاست واقعی که بتواند عملی شود. من فکر میکنم از نظر نظامی نه آمریکا در آن موقعیتی است که سیاست های دوران بوش پدر و پسر را به پیش ببرد و نه جمهوری اسلامی در آن موقعیتی است که یک زمانی در عراق یکه تازی میکرد. به این دلیل تنش نظامی یا برخورد نظامی خیلی نامحتمل است. آنچه بالا خواهد گرفت، تنش سیاسی و تبلیغات و پروپاگاندا سیاسی طرفین علیه یکدیگر است.

کیوان جاوید: ولی آیا همین سیاست اعلام تروریست بودن سپاه برای جمهوری اسلامی سیاستی نیست که بتواند جناح های مختلف داخل حکومت را نزدیک کند؟ نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی با لباس نظامی سپاه پاسداران در مجلس حاضر شدند. روحانی که مخالف سپاه خودش را نشان میدهد و به نوعی شاخ و شانه برای هم میکشند، جانانه در دفاع از سپاه پاسداران به میدان آمده، و ظریف وزیر امور خارجه هم به همین صورت. آیا این امر صفوف جمهوری اسلامی را صفحه ۶

دست سپاه پاسداران نمیدهد و آنرا تحریک نمیکند که در منطقه تنش بیشتری ایجاد کند و دست به عملیات تروریستی بیشتری بزند؟

حمید تقوایی: بنظر من جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست های تروریستی خود در منطقه منتظر تحریک یا بهانه ای نبوده است. زمانی در دوره اوباما که برجام را امضا کرده بودند، جمهوری اسلامی این توافق با غرب را چک سفیدی میدید که با دست بازتری سیاستهای تروریستی اش را در منطقه دنبال کند. بعد از اینکه "ترامپ" برجام را کنار گذاشت، حالا به بهانه عهد شکنی دولت آمریکا خود را مجاز میدانند همان سیاستها را به پیش ببرند. در هر حال و در هر صورت جمهوری اسلامی بعنوان یک نیروی اصلی اسلام سیاسی امرش پیگیری سیاستهای جنایتکارانه و تروریستی در منطقه است. اما نکته مهم بر سر خواست جمهوری اسلامی نیست، بلکه اینست که جمهوری اسلامی چقدر توان و قدرت پیشبرد این سیاستها را دارد. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در یکی دو سال اخیر موقعیتش بشدت در منطقه و در خود ایران تضعیف شده است. بخصوص شرایط بحرانی که امروز در ایران با آن روبرو است، کاملا جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده است. از طرف

از صفحه ۵

متحد نمی‌کند؟

حمید تقوایی: این مانورها گذرا است. بعد از مدتی دوباره دعواها شروع می‌شود. زیر اختلافات اینها عمیقتر از آنست که با این نوع همگرانی‌ها حل و فصل بشود. اینکه اینها همه یک پارچه از سپاه پاسداران دفاع میکنند کاملاً طبیعی است، همیشه این کار را کرده‌اند. هر نوع انتقاد زیر لبی و گله و شکایتی هم که روحانی از سپاه پاسداران داشته باشد، در برابر ترامپ سعی میکنند متحد ظاهر شوند. از نظر سیاسی هم هیچوقت هیچیک از جناحها در مورد سیاستهای جمهوری اسلامی در سوریه، در عراق، در یمن و کلاً در منطقه هیچ اختلافی نداشته‌اند و کاملاً مدافع آن بوده‌اند. در شرایط حاضر هم، بخصوص وقتی آمریکا بعد از به هم زدن برجام این قدم را بر میدارد، طبیعی است که جناحهای حکومتی در دفاع از سپاه پاسداران بیشتر در کنار هم قرار بگیرند.

چیزی که در این میان مهم است رابطه جمهوری اسلامی با مردم است. بنظر من این حرکت یکبار دیگر به مردم نشان داد که جناحهای این حکومت سر و ته یک کرباسند. مردم از سپاه پاسداران متنفر هستند بخاطر اینکه جنایتها و سرکوبگریهای این نیرو را در زندگی هر روزه شان تجربه کرده‌اند و الان که میبینند دارو دسته‌های حکومتی در دفاع از سپاه پاسداران متحد شده‌اند برای مردم بیش از پیش روشن میشود که کل این حکومت سرکوبگر است، جانی است، دستشان در دست هم است و باید همه بزیر کشیده بشوند.

پیامدهای سیاسی قرار گرفتن سپاه در لیست تروریستی

بنظر من این واقعه نفرت از جمهوری اسلامی در جامعه را بیشتر دامن میزند و عزم مردم را برای پایین کشیدن کل حکومت جزمتر میکند.

کیوان جاوید: ولی آیا این امکان برای جمهوری اسلامی فراهم نمی‌شود که به بهانه اینکه مورد تهاجم استکبار جهانی قرار گرفته ایم مبارزات مردم را بخواهد محدود یا کنترل کند و یا بخواهد سرکوب کند؟ در کل آیا قراردادن سپاه پاسداران در لیست تروریست‌ها، موقعیت جمهوری اسلامی را در برابر اعتراضات و مبارزات مردم نه‌ایتاً تقویت میکند یا تضعیف میکند؟

حمید تقوایی: اینکه جمهوری اسلامی همه چیز را زیر سر آمریکا میدانند، اینکه چون حالا آمریکا به ما حمله کرده است کسی نباید اعتراض کند، یا اینکه اعتراضات مردم در خدمت دشمن است، این حرفها جدید نیست. همیشه اینرا گفته‌اند ولی جامعه از این مرحله رد شده است. مردم با شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست" با این نوع تبلیغات تعیین تکلیف کرده‌اند و این مانورها دیگر مشکلی از حکومت حل نخواهد کرد.

از طرف دیگر مسئله مردم با حکومت عمیقتر، همه جانبه تر و حیاتی‌تر از اینهاست که بتوان با این نوع از تبلیغات مبارزاتشان را عقب راند یا مردم را در موضعی دفاعی قرار داد. همین امروز مسئله سیل برای صدها هزار نفر واقعا مسئله مرگ و زندگی است. زندگی بخش عظیمی از

مردم در استانها و شهرهای مختلف در حال نابودی است و مردم به درست مسئول این امر را مقامات و سران جمهوری اسلامی میدانند. این مسئله را نمی‌شود با این مانور که مشکلات تقصیر آمریکاست و غیره دور زد. این حرفها دیگر کارگر نیست. مسئله مردم حادثه و وسیعتر و جامعه آگاهتر و معترضتر از آنست که با این تبلیغات بتوان مردم را عقب راند. همانطور که گفتم همیشه تلاش جمهوری اسلامی این بوده است که اعتراضات مردم را به توطئه‌های آمریکا و غیره منتسب کنند ولی فکر میکنم امروز حتی حکومت گران هم میدانند که دیگر اینها کارآئی ندارد و مردم از این مرحله رد شده‌اند. در چنین شرایطی تحریم سپاه بعنوان یک نیروی تروریستی و کلاً هر نوع اعمال فشار به جمهوری اسلامی بخاطر فعالیتهای تروریستش در منطقه نه تنها منفعتی برای حکومت ندارد، بلکه موقعیت جمهوری اسلامی را در مقابل موج اعتراضات مردم ضعیف‌تر خواهد کرد.

کیوان جاوید: بگذارید از یک زاویه دیگری به این مسئله بپردازیم. یک جنبش وسیع بین المللی ضد امریکایی وجود دارد که در ایران هم هست. شاخه‌های مختلفی هم دارد، اینها میگویند که خود آمریکا، یک دولت تروریستی است، این دولت صلاحیت ندارد که جمهوری اسلامی را یک نیروی تروریستی بنامد. نظراتان در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتید هم در سطح جهان و

هم در سطح ایران نیروهای هستند که خودشان را چپ و کمونیست می‌نامند ولی شاخصشان در هر شرایط و به هر قیمتی مخالفت با سیاستهای دولت آمریکاست. بخشی از آنها که به اصطلاح خیلی پیگیر و منسجم هستند در کنار حسن نصرالله و حزب الله لبنان قرار میگیرند. برخی از این نیروها حتی از احمدی نژاد حمایت میکردند. این "چپ ضدآمریکائی" به زندگی واقعی مردم، به مبارزات واقعی که در جامعه، در ایران و یا در کشورهای دیگر، جریان دارد بیربط است. فرقه‌های ایدئولوژیکی هستند که حتی ایدئولوژی‌شان ضدیت با یک درصدیها یا طبقه سرمایه دار در هر کشور نیست، بلکه ضدیت با دولت آمریکا است و به همین خاطر در خیلی از موارد به موضعی ارتجاعی در می‌غلطند. میدانیم امروز ضدیت با آمریکا از یک موضع کاملاً ارتجاعی در دنیا حتی در خود غرب رواج یافته است. جنبش اسلام سیاسی، که در در خاورمیانه بیداد میکند و در اروپا هم به آن آوانس میدهند، یک خصیصه هویتی اش آمریکاستیزی است. این ضدیت با آمریکا بعنوان یک نظام سرمایه داری و یک قدرت کاپیتالیستی نیست بلکه یک مخالفت ارتجاعی و مذهبی با تمدن غربی است. ضدآمریکائیگری و غربستیزی جمهوری اسلامی و نیروهای اسلامی بخاطر مخالفتشان با دستاوردهای پیشرو غرب است، اینها با سکولاریسم و با هنر و موزیک و فلسفه و ع م پیشرو غرب مخالف هستند. جنبش اسلام سیاسی از یک موضع کاملاً ارتجاعی ضد آمریکا است و چپ ضد آمریکایی نیز در بسیاری موارد همسو و در کنار نیروهای اسلامی قرار میگیرد. معضل

چپ ضد آمریکائی عدم صلاحیت دولت آمریکا نیست، بلکه قبول صلاحیت نیروها و دولتهای اسلامی در آمریکاستیزی است. چپ ضد آمریکائی همیشه ارتجاع و تروریسم جمهوری اسلامی را به ضدآمریکائیگری او بخشیده است.

کیوان جاوید: وقتی دولت ترامپ، جمهوری اسلامی یا سپاه پاسداران را به عنوان یک نیروی تروریست قلمداد میکند، آیا همین مسئله حزب ما یا نیروهای که جمهوری اسلامی را تروریست مینامند در کنار دولت ترامپ یا دولت آمریکا قرار نمی‌دهد؟

حمید تقوایی: بنظر من در سیاست و مناسبات سیاسی، اینکه انگیزه‌ها یا اهداف سیاسی دولتها و نیروهای سیاسی چیست، یک بحث است و اینکه عملکردشان چیست یک بحث دیگر است. تا آنجائیکه به اهداف و انگیزه‌ها بر میگردد، ما همیشه دولت آمریکا و کلاً دولتهای بورژوازی را افشا میکنیم و خواهیم کرد. اینکه آمریکا چه اهدافی را از این سیاست‌ها دنبال میکند، روشن است. همانطور که گفتم آمریکا میخواهد جمهوری اسلامی را در چهار چوب سیاستهای منطقه‌ای خودش قرار دهد و سیاستهای منطقه‌ای آمریکا کاملاً ارتجاعی و ضد انسانی است. رقابتش با جمهوری اسلامی به این معنی نیست که سیاستهای پیشروی در منطقه دارد یا اگر سپاه پاسداران را تحریم کرده است گویا دلش به حال مردم سوخته است و میخواهد تروریسم جمهوری اسلامی را در خود ایران محکوم کند. اینها حتی یک کلمه علیه صفحه ۷

از صفحه ۶

پیامدهای سیاسی قرار گرفتن سپاه در لیست تروریستی

تروریسم جمهوری اسلامی یا سپاه پاسداران علیه مردم ایران صحبتی نمیکنند. بحث شان برسر منطقه است آنهم بخاطر اینکه با سیاستهای خودشان در تقابل است. سیاستهای خودشان که به همان اندازه در منطقه تروریستی بوده است منشا این شرایط هست.

اما اینکه دولتهای غربی خودشان چقدر مترقی هستند، چقدر ارتجاعی هستند، و چه اهدافی دارند در این واقعیت تغییری نمیدهد که در هر حال قطع رابطه آنها با جمهوری اسلامی به نفع مردم ایران است. ما با هر نوع رژیم چنچ و معماری قدرت از بالای سر مردم و با تحریم اقتصادی که دودش به چشم مردم میرود و مانورها و تبلیغات در این سطح شدیداً مخالفیم. انتظار و خواست ما و فکر میکنم مردم ایران از

دولتهای جهان این است که جمهوری اسلامی را بایکوت کنند و به رسمیت نشناسند. اگر این اتفاق بیافتد مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی بسیار تسهیل خواهد شد و زود فرجامتر خواهد بود. مردم راحت تر میتوانند یک حکومت به انزوا کشیده شده را به قدرت خودشان به زیر بکشند. ما اهداف و نیت ارتجاعی دولتها را هم افشا میکنیم اما انگیزه و نیت دولتها از بایکوت جمهوری اسلامی هر چه باشد نفس این امر به نفع مردم ایران خواهد بود.

کیوان جاوید: آیا برای پیشبرد همین سیاستی که شما اینجا مطرح کردید، حزب کمونیست کارگری ایران

دیپلماسی معینی را به پیش میبرد؟ آیا ملاقات و مذاکره با دولتها را امری مجاز و مفید میدانید؟

حمید تقوایی: به نظر من مفید یا مجاز بودن ارتباط با دولتها تماماً به سیاست و هدفی بستگی دارد که از این ارتباط دنبال میشود.

ارتباط با دولتها و نهادهای جهانی بمنظور منزوی کردن جمهوری اسلامی سیاست ما مدتهاست این سیاست را اعلام کرده ایم و از طریق آگاهگری افکار عمومی و کمپین های اعتراضی در جهت افشا جنایات جمهوری اسلامی این امر را به پیش برده ایم. یک بعد موثر فعالیت ما در این جهت کارهای لابی ایستی و ملاقات و مذاکره

کادرهای حزب که در راس کمیته ها و کمیتههای اعتراضی قرار دارند با دولتها و نهادهای بین المللی بوده است. تا کنون پیشرویهایی متعددی هم در این جهت داشته ایم. آخرین خبر این است که دولت آلمان کمک به "انجمن اسلامی شیعیان آلمان" را قطع کرده است. دولت آلمان تحت عنوان "پیشگیری از افراط گرایی" نیروهای شیعه در این کشور را مورد حمایت قرار میداد و به آنها مبلغ هنگفتی کمک مالی میکرد. امروز دولت آلمان این کمک ها را قطع کرده است و مبارزه و اعمال فشار و فعالیت لابی ایستی ما در این جهت یک عامل موثر رانده شدن دولت آلمان به این موضع بوده است.

نمونه دیگر کمپین موافق ما در جلوگیری از تشکیل دادگاههای شریعه در کانادا است. در سال ۲۰۰۳ دولت انتاریو قصد داشت دادگاههای

شریعه را برای مردم مهاجر از کشورهای اسلام زده بر پا کند. ما در یک کمپین بین المللی و مجموعه ای از فعالیتهای میدانی و لابی ایستی با این سیاست مقابله کردیم و بالاخره مسئولین دولتی را وادار کردیم این طرح را رسماً پس بگیرند. این نمونه ها، که کم هم نیست، نشان میدهد ما میتوانیم به دولتها غربی اعمال فشار کنیم و آنها را به موضع گیری علیه دولتها و جریانات اسلامی برانیم. اهرم ما در پیش برد این دیپلماسی کمپینهای مبارزاتی، افکار عمومی و نیروهای سکولار و آزادیخواه و چپ و مترقی در همه کشورها است.*

**با تشکر از طه حسینی
برای پیاده کردن متن
اولیه مصاحبه**

سوسیالیسم راه نجات ما است!

داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

**مرگ بر سرمایه داری و
دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب
کمونیست کارگری!**

زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه

بیش از چهل سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردی شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

را بعهده بگیرند. اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتواند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراهای جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

**زنده باد شورای
سازماندهی اعتراضات
در سراسر کشور**

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم. یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

جامعه ای که به اوج انفجارش رسیده است

روز جهانی کارگر روز اعتراض همه مردم



اول مه روز جهانی کارگر فرا میرسد. اول مه روز اعلام کیفرخواست علیه سرمایه داری و تمام مصائبش است. اتفاقی که امسال به برگزاری روز جهانی کارگر در ایران ویژگی میدهد، سیل ویرانگری است که در سه هفته اخیر زندگی و هستی صدها هزار از مردم را به کام خود کشیده و ابعاد عظیم این فاجعه انسانی اوج توحش سرمایه داری دزدسالار حاکم را به نمایش گذاشته است. اول مه، روز جهانی کارگر بنا بر خصلتی که دارد، میتواند و باید روز اعتراض سراسری همه مردم علیه چنین ابعادی از صدمه و ویرانگری سیل بخاصر سیاستهای مخرب و چپاولگرانه حکومت سرمایه داری حاکم و علیه کل بساط تبعیض، نابرابری و فقر و فلاکت حاکم بر جامعه باشد. در حاکمیت رژیم اسلامی زندگی و معیشت کل جامعه به قهقرا کشیده شده و در پرتگاه نابودی قرار گرفته است. در این حکومت در کنار استثمار بی نهایت نیروی کار کارگر، بیکاری ابعادی فاجعه باری بخود گرفته است. در این حکومت سرقت دستمزدها به سنتی رایج در جامعه تبدیل شده و قراردادهای قراردادهای بردگی کارگر است. در این حکومت محیط های کار به قتل گاه کارگران تبدیل شده است. در این حکومت زن برده جنسی است و به عنوان عامل "گناه" همواره تحت تهدید و پیگرد است. در این حکومت کار کودک رسمیت یافته و بخاطر خشم و نفرت در اظهارات

کارگران در هفته ای که گذشت شهلا دانشفر

خود حکومتیان آشکارا مشهود است. یک نمونه بارز گفته های نماینده گنبد کاووس در مجلس اسلامی در همین هفته است. او میگوید: "ما بودیم که خانه رود را غصب کردیم و موجب سیل شدیم. جنگلها را غارت کردیم، کوه خواری و جنگل خواری کردیم و در مسیر رودخانه خانه ساختیم. شهرداریها حریم فروختند و این پول خون کودک و زنی بود که قرار بود در آینده سیل آنها را ببرد." این گفته اعتراف جانیان حاکم بر گرده مردم است که در برابر مردمی که معترض به میدان آمده اند، دارند عاجزانه به جنایاتشان اعتراف میکنند. چون به چشم خود می بینند که این سیل آنها را نیز با خود خواهد برد.

در برابر این شرایط مردم در اعتراضاتشان کل بساط سرمایه داری وحشی دزدسالار حاکم را به چالش میکشند. این را کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه در دو سه ساله اخیر با فریاد شعراهایی چون "حکومت سرمایه دار مفتخور نمیخواهیم"، "سرمایه داری حرف حالیش نمیشه"، "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "نان، کار، آزادی"، اداره شورایی" در کف خیابان و در مارش عظیم خیابانی شان اعلام کرده اند. نمونه های بارز آن اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز، هپکو و نیشکر هفت تپه است. امروز نیز در برابر سیل ویرانگر مردم خود وارد عمل

#اداره_شورایی پیش بسوی برگزاری روز جهانی کارگر

اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت:

صدای سیل زدگان، صدای کارگران و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی، صدای بخشی، عظیم زاده، قلیان، عبدی و آتنا و گلرخ و آرش و مدافعان محیط زیست، صدای دختران خیابان انقلاب و صدای زنان علیه بیحقوقی و نابرابری، صدای دادخواهی خانواده های جانبختگان، صدای اعتراض علیه فقر و نابرابری، صدای کودکان، صدای همجنسگرایان و رنگین کمانان، صدای اعتراض به شکنجه و اعدام و شلاق و قصاص باشیم!

زنده باد اداره شورایی جامعه

مستقیم شده و دارند با ستادهای همیاری شان صف آرایی میکنند و معلمان در صف جلوی این ستادها ایستاده اند. و نه تنها این بلکه مردم با گفتن اینکه خامنه ای فقط یک مجسمه است و حکومتیان هیچ کاره اند و کاری نکرده اند، خود وارد عمل شده و دارند از برپایی شوراهايشان سخن میگویند. بدین ترتیب گفتمان اداره شورای که با اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و رهبری چون اسماعیل بخشی به درون جامعه راه پیدا کرد، دارد وارد مرحله عملی اش میشود و سنگ بنایش گذاشته میشود.

در چنین شرایطی است که اول مه روز جهانی کارگر فرا میرسد. اول مه امروز بیش از هر وقت فرصت مناسبی برای اعتراضی سراسری و قدرتمند به کل بساط توحش و بربریت سرمایه داری حاکم است. بویژه در شرایطی که مردم با ستادهای همیاری در حمایت از سیل زدگان و با بدست گرفتن مدیریت این کمک رسانی ها، در سطحی سراسری میروند تا شوراها

مردمی شان را پایه گذاری کنند، روز جهانی کارگر فرصتی برای ابراز وجود قدرتمند اعلام عزممان برای ایجاد شوراها ی کارگری و مردمی است. در عین حال اول ماه مه روز ارج گذاشتن به رهبرانی چون اسماعیل بخشی است که گفتمان اداره شورای را به عنوان تنها راه مقابله با فساد و اختلاسها از بالا تا پایین و بعنوان یک آلترناتیو در برابر کل جامعه قرار داد و کارگران نیشکر هفت تپه را با خود همصدا کرد و صدایش در همه جا پژواک پیدا کرد. بعلاوه امروز بیش از هر وقت جنبش های اعتراضی مردمی در عرصه های مختلف نبرد طبقاتی با سرمایه داری حاکم را می بینیم. نمود بارز این را در شعارهای مشترک این جنبش ها علیه تبعیض و نابرابری، در وارد عمل شدن مردم با تشکلهای مبارزاتی شان و شکل گیری ستادهای سراسری همیاری با سیل زدگان و در هشت مارس امسال می بینیم. اول مه روز کیفرخواست کارگران و کل صفحه ۹

از صفحه ۸

جامعه علیه سرمایه داری وحشی حاکم است.

با چنین گفتمان ها و چشم اندازی به استقبال اول مه روز جهانی کارگر برویم. با قدرت ستادهای همیاری و با گرفتن همه امور بدست خود و سازماندهی سراسری شوراهای مردمی مان به استقبال این روز مهم اعتراضی برویم. و برای تدارک چنین روزی از هم اکنون با بیانیه هایمان، با بیان روشن و شفاف خواسته هایمان و با تدارک تجمعات اعتراضی گسترده مان در تمام شهرها حکومت اسلامی را در محاصره اعتراض گسترده و سراسری خود قرار دهیم. به عنوان خواسته های فوری، خواستار پرداخت خسارت به مردم آسیب دیده در سیل و اسکان مردمی که خانه و مسکنشان را از دست داده اند و نیز تامین بهداشت و درمان رایگان برای آنان شویم. خواستار پرداخت بیمه بیکاری به همه کسانی که در جریان این سیل کارشان را از دست داده اند و به همه کارگران بیکار شویم. اعتراض خود را به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اعلام کنیم و خواستار افزایش فوری حقوقها برای داشتن یک زندگی انسانی شویم. اعلام کنیم که اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

خلاصه کلام اینکه حکومت اسلامی در برابر خواسته های مردم شانه بالا

کارگران در ...

انداخته و فکر میکنند که میتوانند برای خود وقت بخرد. سعی میکند با ایجاد فضای امنیتی جلوی دخالتگری مردم را بگیرد و حتی از چپاول و غارت کمک های مردمی نیز نمی گذرد. در عین حال جمهوری اسلامی در برابر خشم و نفرت عظیم مردم بشدت وحشت کرده و همه شان به جان هم افتاده اند. در مقابل مردم با عمل مستقیم خود و با خیز برداشتن برای ایجاد شوراهایشان از کل حاکمیت سلب مشروعیت کرده و دارند خودشان به میدان می آیند. فضای این اعتراض را در کلیپ های ویدئویی که در مدیای اجتماعی وسیعاً پخش شده میشود دید. مردم در گفته هایشان دارند فقر و تبعیض و نابرابری و کل بساط چپاول و غارت سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند. از این میگویند که دیگر از سوره ای شدن ایران ما را نترسانید، اینجا با وجود خود شما سوره ای است و در بسیاری جاها با صفی متحد جلوی ورود نیروهای حکومتی را گرفته و خود امور را بدست میگیرند. روز جهانی کارگر، روز قدرتمایی کارگران و همین مردم است. روز اعتراض سراسری مردمی است که برای پایان دادن به کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی عزم جزم کرده اند. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند.

ستادهای همیاری دارد سراسری میشود

در برابر سیل ویرانگری که به راه افتاده و زندگی و معیشت هزاران هزار انسان را به مخاطره انداخته است، مردم خود وارد عمل شده و ستادهای همیاری شان را شکل داده اند. معلمان در صف جلوی این ستاد ها قرار دارند و با قدرت تشکل سراسری شان وارد میدان عمل شده اند. به این معنا که معلمان در سراسر کشور با ایجاد کمپینی به نام «ستاد همیاری فرهنگیان در کمک به سیل زدگان» کمک های نقدی و غیرنقدی خود را به مناطق سیل زده اعزام میکنند. در بخش اجرایی این ستادها، شامل معلمانی در پایتخت و در شهرهای مختلف و استان ها و شهرهای سیل زده در سراسر کشور است که در همه جا شماره تماس های خود را اعلام کرده و کمک های جمع آوری شده را مستقیماً به دست سیل زدگان در استان های مختلف می رساند. بنا بر خبرهای منتشر شده در بیستم فروردین ماه از این طریق این شبکه ها تا کنون بیش از سی میلیون تومان پول نقد و سه وانت کمک های غیر نقدی ارسال شده است. نکته قابل توجه اینجاست که دیگر ستادهای همیاری از جمله ستادهای همیاری کانون حقوق کودک، ندای زنان ایران، دانشجویان و در جاهایی پرستاران نیز به این حرکت پیوستند و اعلام کرده اند که کمک های خود را از این طریق به سیل زدگان میفرستند. اتحادیه آزاد

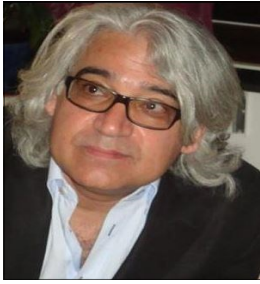
کارگران ایران نیز طی بیانیه ای در ۲۲ فروردین به ستادهای همیاری معلمان پیوست. اتحادیه آزاد در بیانیه خود از تمامی دوستان و اعضای اتحادیه و تمامی کارگران و انسانهای شریف در سراسر کشور خواستار تشریک مساعی با کانون صنفی معلمان ایران و ارسال کمک های خود از طریق این ستادها به مناطق سیل زده شد.

این ستاد ها در عین حال با گزارشات هر روزه خود نیازهای مردم سیل زده را اعلام کرده و خواستار پاسخگویی فوری دولت به آنها شده اند. از جمله در این گزارشات بر امر راه اندازی فوری شبکه آب و برق و گاز و استفاده از ماشین آلات مکانیزه برای تخلیه منازل که دو متر گل آنها را گرفته است و تامین سلامت و بهداشت مردم تاکید شده است. یک روی سخن این اطلاعیه ها خطاب به مردم برای پیوستن به این شبکه و همیاری مردم سیل زده و فشار آوردن به دولت برای پاسخگویی به نیازهای سیل زدگان است. این چنین است که ستادهای همبستگی معلمان همچون یک شورای اعتراضی مردمی و کارزاری مبارزاتی نقش ایفا کرده و به کل جامعه راه نشان میدهد. باید وسیعاً به این حرکت مردمی پیوست.

ستاد همیاری فرهنگیان ایران و دیگر بخش های جامعه در حمایت از سیل زدگان یک روی سکه است. روی دیگر آن حرکت سازمانیافته خود سیل زدگان

برای مدیریت و سد کردن دست اندازی دزدان حکومتی به کمک های مردمی و غارتگری ها و چپاولهایشان است. واقعیت اینست که سیل هولناکی که به راه افتاده و صدمات مهلکی که بر زندگی و معیشت مردم وارد کرده، یک شوک بزرگ بود و هست. اما فضای انسانی کمک و همبستگی در میان سیل زدگان و شکل گیری شبکه های همیاری آنچنان زیبا و شکوهمند است که اشک شوق را بر چشمها آورده است. از جمله یکی از صحنه های زیبای قدرتمند مردم در حمیدیه است. در آنجا وقتی جوانان منطقه با تلاشی سخت توانستند با ترمیم سد بند جلوی سیل را بگیرند، با شعار "شط را به گریه انداختیم، اما نتوانست ما را به گریه بیندازد" قدرت اتحاد خود را جشن گرفتند. در غرب رود کارون در خرمشهر نیز میبینیم که مردم با خشم جلوی حرکت ماشین های هلال احمر را میگیرند و فریاد میزنند تا کنون کجا بودید برگردید و آنها را به محل راه نمیدهند. این چنین است که مردم با قدرت اتحادشان به میدان می آیند. این چنین است که اداره شورایی، گفتمانی که با رهبری اسماعیل بخشی در نیشکر هفت تپه، سرآغازش بود، امروز دیگر فقط یک گفتمان نیست. بلکه مردم دست به کار ساختنش شده اند. زنده باد شوراهای مردمی، زنده باد اسماعیل بخشی، زنده باد ستادهای همیاری مردمی.*

پیش بسوی ستادهای همیاری مردمی برای کمک به سیل زدگان!



در باره قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست سازمان های تروریستی حسن صالحی

جمهوری اسلامی تبدیل شود، نماینده تروریسم حکومت علیه مردم ایران بوده و هست.

ما خواستار انحلال سپاه پاسداران هستیم. فراتر از این ما خواهان این هستیم که جامعه جهانی جمهوری اسلامی را بعنوان نماینده سرکوب مردم از همه مجامع بین المللی بیرون کند. در این سالها ما همواره بر نیروی خود، بر نیروی مردمی برای خلاص شدن از دست جنایتکاران جمهوری اسلامی تاکید داشته ایم. در این سالها همواره یک تلاش ما در عرصه بین المللی این بوده است که دول غربی دست از حمایت از جمهوری اسلامی بردارند، این رژیم را به لحاظ دیپلماتیک و سیاسی و نظامی بایکوت کنند. اگر حمایت های دول غربی نمی بود جمهوری اسلامی بیشتر از این در اثر مبارزات آگاهانه و سازمانیافته خود مردم ایران به هزیمت می افتاد.

تکلیف جناحهای مختلف رژیم که بدنبال قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست سازمانهای تروریستی آمریکا همه سپاهی شده اند از نظر ما روشن است. جمهوری

بازتاب هفته زیر نظر کیوان جاوید

دولت آمریکا سپاه پاسداران را در لیست سازمانهای تروریستی خود قرار داده است و این واکنشهای متفاوتی را در جامعه برانگیخته است. صرفنظر از نیات آمریکا در اتخاذ این تصمیم، سپاه پاسداران باید چهل سال پیش بعنوان یک ارگان سپاه سرکوبگر و نماینده تروریسم علیه مردم ایران در لیست سازمانهای تروریستی جهان قرار می گرفت.

چهل سال پیش سپاه پاسداران را درست کردند تا تمایلات و خواستههای انقلابی مردم را سرکوب کنند. گله های وحشی سپاه را به جان مردم، زنان، کارگران معترض، بیکاران، مردم کردستان و ترکمن صحرا، انقلابیون و آزادیخواهان انداختند تا جامعه رابه خفقان و سکون بکشانند. چهل سازگار آرگار است که که سپاه این ارگان سرکوبگر رژیم مشغول کشت و کشتار، دستگیری و اعدام و شکنجه و ترور علیه مردم ایران است، تحریم که سهل است بلکه این نهاد سرکوب و همه ارگانهای دیگر سرکوب جمهوری اسلامی باید منحل و بر چیده شوند. این نهاد سرکوبگر و ضد مردمی قبل از اینکه به نماد تروریسم جهانی

سپاه پاسداران بخشی از یک حکومت تروریست است بهروز مهرآبادی

ترامپ سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را بعنوان یک نیروی تروریستی اعلام کرد. این بخشی از تلاش



دولت آمریکا برای تحت فشار گذاشتن و مطیع کردن جمهوری اسلامی و برای کوتاه کردن دست رژیم



نماینده مجلس اسلامی: "سیل ما را هم خواهد برد" کاظم نیکخواه

"جنگل ها را غارت کردیم، کوه خواری و جنگل خواری کردیم. در مسیر رودخانه، خانه ساختیم. این پول خون کودکان و زنان بود"

خشم و اعتراضات مردم بحدی رسیده است که دست اندرکاران حکومت اسلامی دیگر قادر به لاپوشانی آن نیستند و نمیتوانند وحشت خود را از سرنگونی محتوم حکومتشان با سیل انقلاب مردم پنهان کنند. روز یکشنبه ۱۸ فروردین نماینده گنبد کاووس در مجلس اسلامی اعتراف کرد که جمهوری اسلامی عامل و علت اصلی ویرانیه و لطمات سیل اخیر است و در مورد خشم مردم هشدار داد. به گزارش خبرگزاری فارس قرجه طیار نماینده گنبد کاوس از جمله چنین گفت "... این باران، رحمت است ولی چرا این رحمت بر مردم زحمت شد. این ما بودیم که خانه رود را غصب کردیم و موجب سیل شدیم. جنگلها را غارت کردیم، کوه خواری و جنگل خواری کردیم و در مسیر رودخانه خانه ساختیم. شهرداریها حریم فروختند و این پول خون کودک و زنی بود که قرار بود در آینده سیل آنها را ببرد. ... آقای رییس جمهور و نمایندگان مجلس! همه متهم هستیم. اگر به خود نیایم سیل ما را هم خواهد برد. همه ما متهم هستیم، اگر به خود نیایم و درصدد اصلاح روش و امور نباشیم سیل ما را هم با خود خواهد برد، شاخه ای که روی آن نشسته ایم با بی تدبیری و سهل انگاری تماشا می کنیم که موربانهای فساد و

بی بصیرتی چطور دارند، می جوند و می خورندش، اما هنوز هم مشغول توجیه تقصیرات خود هستیم و هر کس سعی می کند از زیر بار مسئولیتی که حقوق برای انجام آن می گیرد، شانه خالی کند."

سیل همچنان در مناطق مختلف ایران دارد با ویرانیها لطماتش زندگی مردم را قربانی میکند. مردم به چشم خویش دیده اند و می بینند که سیاستهای مخرب و چپاولگرانه حکومت و دست اندرکارانش عامل اینهمه رنج و تلفات شده است. حتی کمکهای مردمی به سیل زدگان را غارت میکنند. امروز جامعه ایران یک پارچه از فضای همپاری و همبستگی مردمی از یک طرف، و خشم گسترده علیه حکومت اسلامی سرمایه داران میجوشد. امروز تمام مردم به چشم خویش می بینند که حتی برای نجات جنگلها و کوهها و رودخانه ها جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. نباید بگذاریم این حکومت از پس لرزه سیل جان سالم بدر ببرد. امنیت و آرامش و زندگی انسانی حق مسلم تک تک مردم است. حکومت اسلامی و کل دارودسته مفتخوران حاکم همه اینها را از مردم سلب کرده اند. با مبارزه و همبستگی و انقلاب خویش میتوانیم جامعه ای شاد و انسانی و آزاد را پایه ریزی کنیم.*

اسلامی با هر جناح و دسته اش زیر سایه نهادهای سرکوبگری چون سپاه می تواند به بساط دزدی، غارت و ثروت اندوزی خود ادامه دهد. و کسانی که در اپوزیسیون بدنبال این تصمیم، برای نهاد ضد انقلابی سپاه دل می سوزانند نشان می دهند که در کنار جمهوری اسلامی قرار دارند. در همانحال به کسانی که از بالاگرفتن تخاصمات دولت آمریکا و جمهوری اسلامی و خطر جنگ حرف می زنند باید گفت جنگی در کار نیست. هدف آمریکا دلسوزی برای مردم ایران نیست. دولت آمریکا بعنوان یک قطب اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای رام و مطیع کردن آن است. حتی برای مقابله با خطر جنگ چاره دیگری نیست جز اینکه مردم ایران این رژیم آدمکش را هر چه زودتر به قدرت انقلاب خود سرنگون کنند تا این خطرات از بالای سر جامعه ایران برداشته شود.*

اسلامی در منطقه است و معلوم نیست با چه بند و بستی به سازش برسند. اما کشف تازه ای انجام نشده. مردم ایران چهل سال است که این ارگان جمهوری اسلامی را بعنوان یک تشکل تروریستی می شناسند. اما این فقط سپاه پاسداران نیست که بعنوان یک نیروی

در باره قطع کمک مالی دولت آلمان به "انجمن اسلامی شیعه آلمان" پرسش از مینا احدی



انترناسیونال: دولت آلمان کمک مالی سالانه خود که بالغ بر ۳۹۰ هزار یورو میباشد را به "انجمن اسلامی جوامع شیعه آلمان" تحت عنوان "پیشگیری از افراط گرایی" تمدید نکرد. همکاری و کمک دولت آلمان با این نهاد همواره با مخالفت و اعتراض شما مواجه بوده است. نظر شما در این مورد چیست و چرا دولت آلمان بالاخره این خواست معترضین به این مامشات را اجرایی کرد؟

مینا احدی: انجمن اسلامی جوامع شیعه آلمان، یک نهاد پرورش تروریسم در سطح بین المللی است. این نهاد وابسته به حکومت اسلامی است و یکی از ابزارها و بازوهای این حکومت در اروپا است. از طریق این مرکز تروریست پرورش میدهند و تعداد زیادی از طرفداران جنبش اسلامی و اسلام سیاسی که شیعه و طرفدار حکومت اسلامی هستند را جمع کرده و با به اصطلاح سازمان دادن مراکز آموزشی و یا دانشگاه و غیره، درس چگونگی انسان کشی و سرکوب مردم را به آنها میدهند. این انجمن در عین حال یک مرکز جاسوسی علیه اپوزیسیون حکومت اسلامی در آلمان و مرکز پاپوش دوزی بر علیه مخالفین است. آخرین

نمونه شکایت یکی از دست اندرکاران این مرکز علیه یک فعال سیاسی اپوزیسیون در این کشور بود که دادگاه هنوز ادامه دارد. مشکل اصلی این بوده و هست که دولت آلمان بدلیل رابطه حسنه سیاسی و اقتصادی با جمهوری نکبت اسلامی، با این نمایندگان حکومت اسلامی نیز مامشات میکند و بارها مقامات بالای دولت آلمان در مراسم عاشورا و تاسوعا و افطار و مسخره بازیهای این چینی حکومت شرکت کرده و با نمایندگان خامنه ای که مسئولین این نهادها هستند، دست دوستی داده و از حضور و فعالیت این نهادها دفاع میکنند. یک نکته این وسط در ماههای گذشته پیش آمده و آنهم رشد و گسترش سلفیسم

ما و تعداد زیادی از مخالفین حکومت اسلامی ساکت ننشسته ایم. ما هم یک جبهه هستیم در مقابل این شامورتی بازیهای وابستگان حکومت اسلامی.

با همین ادعای مقابله با افراطی گری وزارت زنان در آلمان به اینها بودجه ای برای برگزاری مثلا یک کنفرانس داد که با اعتراض ما روبرو شد. در این مورد من یک نامه سرگشاده به وزیر زنان وقت خانم بارلی نوشتم و ایشان تویت کرد که به نامه مینا احدی پاسخ خواهیم داد. یک روز بعد این، وزارتخانه اعلام کرد که بودجه را پس گرفته است و کنفرانس کذایی حکومت اسلامی کنسل شد. این مساله و برگزاری میتینگ در مقابل مسجد وابسته به این مرکز که بارها از طرف مخالفین حکومت اسلامی و ما برگزار شده یک واقعه سیاسی مهم بود که توجه ها را بخود جلب کرده است.

طبعا دولت آلمان اکنون تحت فشار ما و بسیاری از سازمانهای مخالف همکاری دولت آلمان با جمهوری اسلامی ایران، و بویژه با اتکا به یک نکته مهم یعنی دخالت فعال این مرکز در سازماندهی مراسم روز قدس در برلین و سر دادن شعار نابودی

اسرائیل و دامن زدن به آنتی سمیتیسم در آلمان، اعلام کرد که پرداخت بودجه به این مرکز را تمدید نمیکند. این یک حرکت درست است و ما هم از آن استقبال میکنیم. اما ما خواهان بسته شدن این مرکز و جمع کردن بساط تروریستهای اسلامی وابسته به حکومت اسلامی از آلمان هستیم و این هنوز باید با فشار بیشتر به دولت آلمان متحقق شود.

دولت آلمان سازمانهای اسلامی را بعنوان نماینده مردم به رسمیت شناخته و حتی اینها را در مراکز تصمیم گیری در مورد تدریس برخی دروس در مدارس پذیرفته و با آنها قرار داد بسته و امکانات وسیع مالی و رسانه ای در اختیار این مرتجعین قرار داده است. ما بارها به این سیاست مامشات دولت آلمان اعتراض کرده ایم و کماکان حرف ما اینست که به همکاری و دادن پول مالیات مردم آلمان به نهادهای تروریستی وابسته به حکومت اسلامی و همه سازمانهای اسلامی باید پایان دهید و بساط وابستگان به حکومت اسلامی را جمع کنید. سفارتخانه جمهوری اسلامی را ببندید و از خواست سرنگونی این حکومت که خواست مردم ایران است، دفاع کنید.*

از مردم آلمان میخواهم از انقلاب مردم ایران دفاع کنند.

دپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران شده و گفت: مردم ایران سالها است علیه اسلام سیاسی مبارزه میکنند و در این راه سختی های فراوان کشیده و درسهای بسیار آموخته اند. در ایران جنبش زنان و جنبش کارگری و معلمان و دانشجویان بسیار قوی است. مردم میتوانند بعد از حکومت اسلامی خودشان آینده را بسازند. نباید نگران بود و باید از این مردم دفاع کرد.*

اشاره کرد نکته مهم در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی این است که دولتهای غربی و از جمله دولت آلمان از بقای حکومت اسلامی ادفاع میکنند. مینا احدی ضمن نقد شدید سیاست چهل ساله مامشات حکومت آلمان و اتحادیه اروپا با حکومت اسلامی، خواهان قطع روابط

مینا احدی روز سه شنبه ۹ ماه آوریل در شهر فرانکفورت آلمان سخنرانی کرد. او تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران حکومت سرکوب و شکنجه و زندان است و اکثریت مردم ایران خواهان سرنگونی و به گور سپردن این حکومت هستند. وی در سخنرانی خود





انترناسیونال: قرار دادن سپاه پاسداران در لیست جریانات تروریستی از جانب دولت آمریکا و ترامپ با عکس العمل یکپارچه سران حکومت از خامنه ای و سپاه تا مجلس و سران ریز درشت دیگر آن روبرو شد. خارج از دایره حکومت، عده ای نیز که مدعی بودند با جمهوری اسلامی فاصله دارند در این گیر و دار این تصمیم دولت ترامپ را محکوم کردند و کنار سپاه و حکومت قرار گرفتند. برخی مخالفین حکومت نیز هر دو سوی این کشمکش را محکوم کرده اند و نگران اند که این تصمیم به تقابل نظامی کشیده شود و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی را قیچی کند. شما در باره این تصمیم و کشمکش دو سوی این تقابل و تاثیر آن بر روندهای سیاسی و بویژه مبارزه مردم با جمهوری اسلامی چه ارزیابی دارید؟

مصطفی صابر: ابتدا مایلم تاکید کنم ما خواهان انحلال

پرسش از مصطفی صابر

در باره قرار داده سپاه در لیست تروریسم

سپاه و کلیه نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی هستیم. همان روز اول با ترور شروع کردند و چهل سال است که تروریست هستند. ما خواهان این هستیم که تمام مردم دنیا دست در دست مردم ایران، تمام دول عالم، از آمریکا گرفته تا دولت‌های اروپایی و چین و روسیه و غیره را تحت فشار قرار دهند که نه فقط سپاه بلکه کل رژیم اسلامی را از لحاظ سیاسی تحریم کنند. جمهوری اسلامی در سطح جهانی باید به همان وضعیتی رانده شود که رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی رانده شده بود. این فقط موضع حزب کمونیست کارگری نیست. حرف دل مردم ایران است. اما روشن است که آمریکا سپاه را تحریم کرده و در لیست تروریست‌ها قرار داده تا بقول خودشان جمهوری اسلامی را مجبور به "تغییر رفتار" کنند. این ادامه سیاست‌های ترامپ در مورد برجام است. این اقدام آمریکا البته فشارهای بیشتری بر جمهوری اسلامی وارد میکند.

است که از هر موقعیتی استفاده کنند و حلقه محاصره بر جمهوری اسلامی که منبع بلافضل شر و نکبت حاکم بر ایران است را تنگ تر کنند. اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی که به تحولات از بالای سر مردم ایران چشم دوخته اند و این خیال را در سر میپروراندند که روزی به حمایت آمریکا به قدرت برسند احتمالاً باز بوی کباب بیشتری به مشام شان برسد. هرچند بعضی شان را بخصوص آنهایی که قبلاً برای سپاهیان خوب پیام میفرستادند را ممکن است دچار تناقض کند. در هر حال همه اینها را باید افشاء کرد و نشان داد که اینها میخواهند عبا و عمامه جمهوری اسلامی را بردارند و جای آن کت و شلوار بگذارند ولی قوای سرکوبگر و کل ماشین دولتی را حفظ کنند و حتی گسترش دهند. حال از این هم بگذریم که در شرایط حاضر اولین گزینه آمریکا برای حفظ منافعش فعلاً تلاش برای رام کردن همین جمهوری اسلامی است.

در مورد محکوم کردن دو طرف، در بهترین تعبیر یک موضع غیر سیاسی و حاشیه نشینانه است و در هر حال

در عمل به نفع جمهوری اسلامی تمام خواهد شد. واضح است که دول بورژوازی و از جمله دول آمریکا و روسیه و چین و ایران و اسرائیل و ترکیه و غیره متکی بر ترور و سرکوب اند و هرکدام شان ید طولایی در این زمینه دارند. اما باید توجه کرد در ایران مردم به میدان آمده اند تا خودشان را از شر یک رژیم سرتاپا جنایتکار و تروریست اسلامی نجات دهند. امیدوارم روزی هم همه مردم دنیا بپاخیزند تا دنیا از شر بورژوازی و تروریسم دولتی و غیر دولتی رها شود. ولی حالا که مردم ایران میخواهند خودشان را از شر سپاه و دیگر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و کل این رژیم رها کنند چرا باید قرار گرفتن سپاه در لیست تروریست‌ها توسط آمریکا را محکوم کرد؟ همانطور که گفتیم این هم خویست که توهمات مالیخولیایی اپوزیسیون راست در دخیل بستن به آمریکا را نقد و افشاء کرد. اما هرجا که جمهوری اسلامی تضعیف بشود بنفع مردم است و باید مردم را به گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و درهم شکستن کل قوای سرکوبگر این رژیم فراخواند.*

فقط به زور همبستگی و اعتراض سراسری میتوان مجبور کرد سر کیسه های پر از ثروت چپاول شده مردم را برای تامین نیازهای مردم سیل زده شل کند.

فقط به زور همبستگی و اعتراض سراسری میتوان مجبور کرد سر کیسه های پر از ثروت چپاول شده مردم را برای تامین نیازهای مردم سیل زده شل کند. تردیدی در این نیست که در نتیجه این سیل ویرانگر، شکاف عمیق و گسترده میان مردم ستمدیده و میلیونها کارگر و اکثریت عظیم تهیدستان و محرومین جامعه با طبقه حاکم و حکومت اسلامیشان عمیقتر و گسترده تر خواهد شد. تلاش کنیم

هیچ چیز این سیل

یک کار مهم این تشکلهای و نهادها و تلاشها این است که با خواستهای بسیار صریح و روشن حکومت اسلامی را زیر فشار بگذارند و مجبورش کنند بخش مهم و کافی از ثروت و امکانات کشور را که رویش لم داده است، فقط و فقط به بازماندگان سیل و تامین زندگیشان اختصاص دهد.

تردیدی در این نیست که حکومت اسلامی را فقط و

از صفحه ۴ نیست. تشکلهای و شوراهای همیاری در سطح سراسری در همه جا همچنان باید شکل بگیرند، کمکها را ادامه دهند اما علاوه بر کمکها باید به کمک سیل زده های خود منطقه خسارات واقعی در شهرها و روستاها، خسارات واقعی خانواده ها را برآورد کنند و با اطلاع رسانی شفاف اجازه ندهند حکومت اسلامی با وعده وامهای چندرغاز مردم را سر بدواند.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اتحادیه کارگران خدمات و دولتی و نکوور جمهوری اسلامی را محکوم کرد

معیشت و زندگی خود با اتهاماتی نظیر "امنیت ملی" و "تهدید امنیت ملی" دستگیر و زندانی میکند. ما از کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران در ایران حمایت میکنیم و خواهان محو مجازاتهای امنیتی علیه فعالین کارگری و معلمان و فعالین اجتماعی هستیم.

ما از آی ال او میخواهیم که به سکوت و مداخلات خود در قبال جمهوری اسلامی پایان دهد و زیر پا گذاشتن مداوم کنوانسیونهای خود آی ال او توسط حکومت اسلامی را محکوم نماید.

جمهوری اسلامی به محروم کردن مردم از حقوق پایه ای شان نظیر حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق برپایی اول مه و حق آزادی بیان ادامه میدهد. چنین رژیمی نباید در آی ال او جایی داشته باشد

ما خود را در کنار همه سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسانی میدانیم که صدای خود را برای آزادی بی قید و شرط اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، آتنا دائمی و تمام زندانیان سیاسی بلند کرده اند ما خود را همراه و حامی "فری دم ناو" کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران میدانیم

با ارادت

استفانی اسمیت: رئیس اتحادیه کارگران دولتی و خدمات بریتیش کلمبیا (BCGEU)

رونوشت به: شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو) ۹ آوریل ۲۰۱۹

ما از بیانیه اسماعیل بخشی در محکوم کردن شکنجه او هنگامی که در زندان جمهوری اسلامی بود حمایت میکنیم. اسماعیل بخشی که در جریان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده بود به دلیل اعتراض به شکنجه در زندان مجددا دستگیر شد. سپیده قلیان خبرنگاری که او هم در جریان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده بود نیز به دلیل تایید ادعای اسماعیل بخشی در مورد شکنجه، مجددا دستگیر شده است. آنها زیر فشار هستند که ادعای خود در مورد شکنجه در زندان را انکار کنند. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خواهان این شده اند که محاکمه آنها در دادگاههای علنی برگزار شود. شرایط آنها خطیر است. ما خواهان آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، و همچنین تمام کارگران و معلمان و زندانیان سیاسی هستیم. ما کلا استفاده از شکنجه علیه هر زندانی در ایران را محکوم میکنیم.

جمهوری اسلامی کارگران را به خاطر دفاع از حقوق و

ملاقات کردند. این جلسه بر صدور بیانیه ای به این شرح منجر شد:

ما به شدیدترین وجهی محکوم کردن فعالین کارگری، معلمان و فعالین اعتراضی در ایران به زندان را محکوم میکنیم. ما انزجار خود را از استفاده از شلاق بعنوان شکلی از مجازات توسط حکومت اسلامی اعلام میداریم. این مجازات غیر انسانی باید توسط همه سازمانهای کارگری و همه مردم متمدن جهان محکوم شود. جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران در حالی که برای گذران شش سال محکومیت خود بخاطر دفاع از کارگران در زندان بسر میبرد، همزمان به ۳۰ ضربه شلاق نیز محکوم شده است. نسرین ستوده وکیل که از زندانیان سیاسی دفاع کرده به ۱۳۷ ضربه شلاق و هفت سال زندان محکوم شده است. پیش از آن محمد حبیبی به ۱۰ سال و نیم زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. این مجازاتهای شنیع باید محو شود. ما از جمهوری اسلامی میخواهیم که این ها را کنار بگذارد.

طرف این اتحادیه با ارسال نامه ای قطعنامه را مورد تایید قرار داد. در این قطعنامه بر اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، ممنوعیت شلاق و شکنجه و امنیتی کردن مبارزات و آزادی فوری کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تاکید شده است. اتحادیه کارگران دولتی و خدمات کانادا دربرگیرنده بیش از ۷۷ هزار عضو میباشد. متن این نامه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی

کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

۲۲ فروردین ۹۸، ۱۱ آپریل ۲۰۱۹

متن نامه استفانی

اسمیت دبیرکل

BCGEU

کاظم نیکخواه عزیز!

روز ۲۶ مارس اتحادیه کارگران خدمات و دولتی و نکوور کانادا و هیئتی از نهاد کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (Free Them Now) در دفتر BCGEU

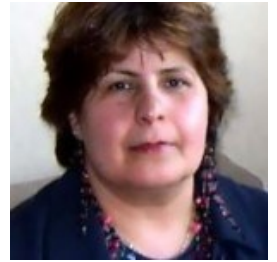
قطعنامه مشترک "فری دم ناو" و اتحادیه کارگری خدمات و دولتی و نکوور کانادا

روز گذشته استفانی اسمیت پرزیدنت اتحادیه خدمات و دولتی و نکوور کانادا در نامه ای به کاظم نیکخواه مسئول روابط بین المللی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، قطعنامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی را مورد تایید قرار داد. قبلا گزارش کردیم که در روز ۲۶ مارس هیئتی از نهاد کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (Free Them Now) با مسئولین اتحادیه کارگران خدمات و دولتی و نکوور کانادا در دفتر BCGEU در نکوور ملاقات کردند. این ملاقات در پی دعوت این اتحادیه از "فری دم ناو" جهت فعالیت مستمر تر و نزدیکتر این دو نهاد کارگری انجام گرفت. در این نشست از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی قطعنامه ای ارائه شد که مورد تایید جلسه قرار گرفت. نتیجه اینکه مقرر شد که این قطعنامه رسماً به تصویب BCGEU رسانده شود. روز گذشته استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات و دولتی و نکوور به نمایندگی از



مد اسلامی تجسم به بند کشیدن زنان

شهناز مرتب



از مدافعين حقوق زن و فعالين حقوق بشر بنام توران ناظمی از برگزاری نمایشگاه مطلع شدیم ما عده ای از فعالين سیاسی شهر با امضای "زنان مهاجر سکولار" فعالیتی را علیه برگزاری این نمایشگاه شروع کردیم. اعلام کردیم که: "در حالیکه زنان در کشورهای اسلام زده ای چون ایران و افغانستان با تمام قوا علیه حجاب و قوانین اسلامی با جنگ و دندان مبارزه میکنند، عده ای در قلب اروپا، در قرن 21 نمایشگاه مد اسلامی که تجسم به بند کشیدن زنان است را به نمایش میگذارند".

چند نامه به رسانه ها و همینطور به مسئولین نمایشگاه نوشته و برای آنها

نمایشگاه مد اسلامی ابتدا چند ماه قبل در آمریکا برگزار شد. این نمایش مسخره برای بار دوم روز چهارم آپریل در قلب اروپا و در موزه هنرهای کاربردی در شهر فرانکفورت و با حمایت شرکتهای بزرگی چون نایک و چند بانک برگزار شد. این نمایشگاه در حالی برگزار شد که در کشورهای اسلام زده ای مثل ایران سالهاست زنان علیه پوشش اسلامی و حجاب اجباری مبارزه میکنند و اسلام و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی را به لبه پرتگاه سقوط کشانده اند.

پس از اینکه از طریق یکی

آکسیون در جریان بود هزاران نفر از نمایشگاه ما دیدن کردند. گفتگوها و بحثهای بسیاری درگرفت و مصاحبه های متعددی با پرتیراژترین روزنامه ها از جمله؛ فرانکفورتر روندشواو، فرانکفورتر آگه ماینه، تویه پرسه و تاتس انجام گرفت. این آکسیون با پشتیبانی زنان و مردان بسیاری اعم از ایرانی و آلمانی مواجه شد و آنها به آکسیون ما پیوستند.*

خیابان انقلاب محوطه ورودی نمایشگاه را به صحنه مبارزه علیه به بند کشیدن زنان تبدیل کردیم.

اعتراض علیه نمایشگاه مد اسلامی بسرعت در رسانه های بازتاب یافت و توجه جامعه را بخود جلب کرد. این مساله به یک موضوع بحث داغ سیاستمداران و سرمایه گذران و سودجویان از یکسو و ما و مردمی که در کنار ما علیه سیاستهای دو گانه و ضد زن اسلامی ها هستند تبدیل شد. در طی چهار روزی که

ارسال کردیم. همچنین آکسیونی چهار روزه ای را همزمان با شروع این نمایشگاه آغاز کردیم. در مقابل درب ورودی نمایشگاه با برپایی نمایشگاه آلترناتیو شامل عکسهای بزرگی از مبارزه زنان علیه چهل سال حکومت ضد زن جمهوری اسلامی در ایران و همینطور عکسهای بزرگی از دختران



از صفحه ۱۰

سپاه پاسداران بخشی از یک حکومت تروریست است

راه بدست آورده است .

جمهوری اسلامی حکومت تروریست ها و سپاه پاسداران بخشی از آن است. همه جهان باید این را بدانند. این حکومت باید در سطح جهان منزوی شود. قراردادهای بند و بست های دولت های مختلف با جمهوری اسلامی علنی شود، حمایت ها از حکومت تروریست ها قطع شود، فروش اسلحه و وسایل سرکوب به این حکومت متوقف شود، روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی قطع شود و سران و دست اندکاران رژیم بخاطر جنایات علیه بشریت تحت تعقیب قرار بگیرند. انجام هر کدام از این موارد کار مردم ایران را برای سرنگونی حکومت تروریست ها بسیار ساده تر خواهد کرد.*

گسترش فضای رعب و سرکوب استفاده کرده است. این تحریم ها هر چند فشار زیادی به مردم ایران آورده است اما جمهوری اسلامی مسبب اصلی این تحریم ها است و برادران قاچاقچی سپاه بیشترین منافع را از این تحریم ها میبرند. از سوی دیگر بدون تحریم ها هم مافیای حکومت اسلامی چیزی در سفره اکثریت مردم ایران باقی نمیگذارد و سپاه پاسداران بعنوان نیروی اصلی سرکوبگر رژیم نقش مهمی در غارتگری و چپاول دسترنج زحمتکشان ایران دارد. تسلیح باندها و گروههای تروریستی در ایران و در منطقه از ثروت سرشاری است که سپاه پاسداران از این

اعدام هایی که از همان اولین روزهای قدرنگیری رژیم انجام شد، محاکمات چند دقیقه ای و موج اعدام ها در سال ۶۰، ترور دهها نفر از مخالفان رژیم در خارج کشور که خامنه ای و بعضی از سران رژیم بخاطر آنها هنوز تحت تعقیب پلیس بین الملل هستند و ترور هزاران نفر از آزادیخواهان در داخل ایران گوشه هایی از عملیات تروریستی حکومت اسلامی هستند .

تروریست اعلام کردن سپاه پاسداران تغییر چندانی در وضعیت مردم ایران نمی دهد. جمهوری اسلامی تاکنون از تحریم ها بعنوان بهانه ای برای غارتگری و چپاول بیشتر مردم و

میگیرند. کدام ارگان وابسته به رژیم است که یک نیروی تروریستی بنام "حفاظت" در اختیار نداشته باشد. حتی بسیاری از ارگانهای ظاهرا مستقل از حکومت هم برای مقابله با هر صدای اعتراض نیروی سرکوبگر "حفاظت" در اختیار دارند. ادارات، دانشگاهها، بیمارستانها، شهرداری ها، کارخانه ها و ... هر کدام نیروهای سرکوبگر خود و حتی زندانهای غیررسمی خود را دارند. معترضین را ترور میکنند، مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می دهند، به گروگان میگیرند و همه گونه مورد حمایت رژیم هستند.

کشتار مردم در فاجعه سینما رکس در سال ۵۷،

تروریستی عمل می کند. سپاه پاسداران بخشی از یک حکومت خونریز است که بر پایه تروریسم و ایجاد رعب و وحشت شکل گرفته است. فعالیت های تروریستی سپاه نه تنها مردم ایران را هدف قرار داده بلکه عملیات تروریستی خود را به سایر کشورها نیز گسترش داده است.

نه تنها در ایران بلکه در سراسر خاورمیانه و در آفریقا تروریسم محور اصلی نیروهای اسلامی است. از بوکو حرام گرفته تا القاعده و طالبان تا داعش و در راس همه آنها جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران آن همه نیروهایی هستند که قدرت خود را از تروریسم

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

آنچه مردم سیل زده می‌خواهند

تردیدی در این نیست که حکومت اسلامی را فقط و فقط به زور همبستگی و اعتراض سراسری میتوان مجبور کرد سر کیسه های پر از ثروت چپاول شده مردم را برای تامین نیازهای مردم سیل زده شل کند. اینها بخشی از خواست های فوری و عاجل مردم است. برای حل اساسی مسائل جامعه و برای اینکه چنین فجایعی تکرار نشود باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. حتی برای تضمین این اقدامات عاجل نیز باید مبارزه برای سرنگونی حکومت نکبت اسلامی را سرعت بخشید.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۳ فروردین ۱۳۹۸،
۱۲ آوریل ۲۰۱۹

فرامیخوانیم شوراها را در هر شهر و روستایی تشکیل دهند، مرتب اطلاع رسانی کنند و لیست اقلام مورد نیازشان را اعلام کنند.

* شوراها و نهادهای همیاری سیل زدگان لازم است خسارات هر خانواده را محاسبه و علنا اعلام کنند و دولت را برای پرداخت کامل غرامت تحت فشار قرار دهند.

همیاری وسیع مردم انساندوست در سراسر کشور از سیل زدگان واقعا شورانگیز است. کمک های مردمی را باید هر چه بیشتر گسترش داد. شوراها همیاری را باید همه جا تشکیل داد و از نهادها و شوراها همیاری که تاکنون تشکیل شده اند و مخصوصا از ستادهای همیاری که توسط معلمان ایجاد شده اند، فعالانه حمایت کرد.

* آزادی فوری فعالین محیط زیست و پرداخت غرامت به آنها و آزادی بی قید و شرط فعالیت نهادهای دفاع از محیط زیست.

* پایان دادن به امنیتی کردن مناطق سیل زده و رفع هر نوع محدودیت برای نهادها و ارگانها و شوراها که مردم برای همیاری با سیل زدگان تشکیل میدهند.

* معرفی و محاکمه کلیه مقامات و آیت الله هایی که به دلیل جنگل خواری و زمین خواری و تصمیمات فاجعه بار محیط زیستی این بلا را سر مردم آورده اند

* کلیه کمک هایی که برای مردم سیل زده جمع آوری میشود، باید تحت نظارت و سرپرستی خود مردم در مناطق سیل زده توزیع شود. مردم مناطق سیل زده را

حکومتی بالا کشیده اند.

* درمان فوری و رایگان کلیه مجروحین و مصدومین سیل و اعزام تیم های پزشکی به مناطق سیل زده.

* رسیدگی فوری به کودکان مناطق سیل زده اعم از امکانات مشاوره ای و سرگرمی و آموزش.

* پاکسازی فوری مناطق زلزله زده و اقدامات بهداشتی لازم برای جلوگیری از شیوع انواع بیماریها.

* جبران فوری کلیه خساراتی که به تک تک سیل زدگان وارد شده است، اعم از بازسازی فوری خانه ها و جبران فوری اموال و وسایل زندگی و دام ها و روزهای کاری که از دست داده اند

جمهوری اسلامی عامل مستقیم فاجعه ای است که بدلیل سیل تعداد زیادی از مردم بیگناه را قربانی و زندگی میلیون ها نفر را نابود کرده است. مردم مناطق سیل زده و کلیه مردم در سراسر کشور را فرامیخوانیم ضمن ادامه همیاری با سیل زدگان، با گسترش اعتراض حکومت اسلامی را مجبور کنند اقدامات زیر را فوراً عملی کنند:

* پرداخت غرامت به خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند اگر چه این عزیزان را با هیچ غرامتی نمیتوان به آغوش خانواده هاشان بازگرداند

* اسکان دادن همه کسانی که خانه و کاشانه شان ویران شده و یا مجبور به ترک آن شده اند، در هتلها و ویلاها و ساختمانهایی که آقازاده های

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

اطلاعیه دبیر خانه حزب کمونیست کارگری ایران پیرامون "طرح شورای راهبردی گذار از جمهوری اسلامی"

اخیرا طرحی توسط تلویزیون کانال یک و برخی جریانات راست و محافظه کار بمنظور ایجاد "شورای راهبردی گذار از جمهوری اسلامی" تهیه و پخش شده است. دست اندرکاران این طرح بمنظور تعیین افراد این "شورا" لیستی از چهره ها و شخصیت‌های سیاسی و هنری و رسانه ای از خارج و داخل کشور را در آن قرار داده اند و در صددند تا در یک انتخابات دو مرحله ای جمع محدودی را به عنوان اعضای این شورا معرفی کنند. اسامی تعدادی از کادرهای حزب کمونیست کارگری نیز بدون اطلاع و یا میلشان در این لیست قرار داده شده است.

حزب کمونیست کارگری بدینوسیله اعلام میکند که چنین "انتخاباتی" فاقد هر گونه مشروعیت سیاسی بوده و منعکس کننده آراء و نقطه نظرات توده مردمی که برای سرنگونی رژیم اسلامی تلاش میکنند، نیست. نه توده مردم سرنگونی طلب امکان شرکت و یا رای دهی در چنین "انتخاباتی" را دارند و نه رهبری جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در چنین پروسه هایی شکل میگیرد.

ما تاکید میکنیم که چنین "انتخابات" و یا "سنجش های" منعکس کننده افکار و آرای عمومی نبوده و از هیچ درجه اعتبار علمی و یا سیاسی برخوردار نیست.

دبیر خانه مرکزی حزب
کمونیست کارگری
۱۲ آوریل ۲۰۱۹

جولیان آسانژ موسس ویکی لیکس در یک اقدام کم سابقه در سفارت اکوادور توسط پلیس انگلستان دستگیر شد. این اقدام پلیس انگلیس در یک تباری و توطئه آشکار میان دولت‌های انگلیس و اکوادور و به محض لغو مجوز پناهندگی آسانژ توسط دولت اکوادور صورت گرفت. آسانژ اکنون در بازداشت دولت انگلستان قرار دارد و

دولت آمریکا در تلاش برای استرداد او به آمریکا بمنظور محاکمه برای "درز اطلاعات محرمانه" نظامی و امنیتی این کشور است. دستگیری آسانژ یک نمونه بارز تباری دولت‌های دموکراسی و همدستانشان است. آسانژ جرمی مرتکب نشده است. انتشار و پخش اطلاعات

دستگیری جولیان آسانژ را محکوم میکنیم!

"سری و محرمانه" دولتها جرم نیست، حق مردم است. هیچ اطلاعات و اقدام دولتها نباید از چشم جامعه پنهان بماند. یک جامعه آزاد دارای "اطلاعات محرمانه و سری" نیست. دستگیری آسانژ اقدام انتقام جویانه دستگاهی امنیتی و اطلاعاتی دول غربی از جریانی است که "اسرار" و

توطئه های آنها بر علیه بشریت آزادیخواه و برابری طلب در گوشه و کنار جهان را بر ملا کرده است. حزب کمونیست کارگری ایران دستگیری جولیان آسانژ را محکوم میکند و خواهان آزادی فوری اوست!

حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۲ آوریل ۲۰۱۹

آدرس های تماس با حزب کمونیست کارگری:



سایت حزب: www.wpiran.org

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

کمیته سازمانده حزب

تلفن، واتس آپ و ایمو:
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ایمیل: tamas.wpi@gmail.com
تلگرام- ادمین: @sazmande
سایت: www.sazmandeh-wpi

تلویزیون کانال جدید

<http://newchannel.tv>
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com
تلگرام- ادمین: kanaljadid@
پیامگیر: 0013108569897

کمیته کردستان حزب

سایت: www.iskraa.net
تلگرام:
<https://t.me/komitekordestan>
ایمیل:
nasan.nodinian@gmail.com
فیسبوک
www.facebook.com/komite.kurdstan.wpi

دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

کمیته خارج کشور حزب

ایمیل: komitexarej@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

سازمان جوانان کمونیست

کانال تلگرام:
https://telegram.me/jk_org/
اینستاگرام:
<http://instagram.com/javanan.komonist>
فیسبوک:
<https://www.facebook.com/cyo.sjk>
یوتیوب:
<https://www.youtube.com/user/sjkiran1>

کمیته آذربایجان حزب

ایمیل:
komiteazarbaijan76@gmail.com
فیس بوک:
facebook.com/sahandazadiwpi
کانال تلگرام: @KSahand

کانال تلگرام انجمن مارکس:
<https://telegram.me/anjomanmarx>